

اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه های ابن سینا

^۱ سرور حیدری اغجیوان

^۲ فرشته افکاری

^۳ ادريس اسلامي

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

چکیده

تربیت اخلاقی در ساختار نظام آموزشی و پرورش، حیاتی است چرا که اخلاق و تربیت اخلاقی، اساس مبانی رشد اجتماعی است. هدف پژوهش حاضر، اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه های ابن سینا می باشد. تحقیق از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش، کمی و از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری شامل متخصصان برنامه درسی فعال در زمینه تربیت اخلاقی و روش نمونه گیری از نوع هدفمند و تعداد آنها ۲۵ نفر بود. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود و روایی آن به تایید ۹ نفر متخصص حوزه علوم تربیتی رسید. از روش مدلسازی ساختاری تفسیری جهت اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی استفاده شد. مطابق با یافته ها، شاخص "مالکیت و تسلط بر نفس" مبنای شاخص های برنامه درسی تربیت اخلاقی است و میزان اهمیت این شاخص در مقایسه با سایر شاخص ها بیشتر می باشد. یکی از هدف های واسطه ای تربیت اعتقادی کودک رشد دیدگاه های اعتقادی ابن سینا است. از این منظر مالکیت و تسلط بر نفس، نخستین روش برای نیل به این هدف است. از نظر ابن سینا هدف کلی تربیت اعتقادی، مذهبی بار آوردن دانش آموز است و اسلام را به عنوان مکتبی سازنده بپذیرد و تعالیم آن را به صورت افکاری اصیل و هیجان انگیز در خود پذیرا شود.

کلید واژه ها: برنامه درسی، تربیت اخلاقی، دوره دوم ابتدایی، ابن سینا، مالکیت و تسلط بر نفس

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sd.heydari70@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) F.afkari@iau-tnb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. E.islami@iau-mahabad.ac.ir

مقدمه

تربیت اخلاقی در ساختار نظام آموزشی و پرورش، بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. بدین صورت که اخلاق و تربیت اخلاقی، پایه و اساس فرهنگ بشری است. به همین دلیل است که، موضوع مذکور از گذشته تا امروز مورد تاکید فرهنگ اسلامی بوده و در جوامع زیادی با اقبال پژوهشگران مواجه شده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۹). در این راستا، یکی از دانشمندانی که بنا به سبک منحصر بفرد خود مباحث اخلاقی را مورد توجه قرار داده و آراء متنوعی را در این زمینه خلق نموده حکیم ابوعلی سینا می‌باشد. ابن‌سینا همچون دیگر فیلسوفان مسلمان، مباحث تربیت اخلاقی را در بخش حکمت عملی جای می‌دهد.

ابن‌سینا اهمیت ویژه‌ای را به مسائل تربیتی و اخلاقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی در نظر گرفته است. وی در کتاب اشارات و نیز السیاسة، تربیت خود انسانی را خیلی مهم بر شمرده و شیوه‌ها و روش‌هایی نیز ارائه نموده است (ابن‌سینا، ۱۳۹۹). همچنین در در مباحث مرتبط با امور مالی خانواده نیز نکات اخلاقی و معیارهای عقلانی را مورد توجه قرار داد. از دیدگاه ابن‌سینا اهداف تعلیم و تربیت شامل ایمان، سواد، اخلاق نیکو و رفتارهای پسندیده، تندرستی، حرفه و هنر می‌باشد (صدیق، ۱۴۰۰). ابن‌سینا انواع گوناگون تعلیم و تربیت را تشریح می‌نماید و اصلی‌ترین آنها را تربیت عقلی می‌داند که عبارت است از پرورش ذهن (زیباکلام مفرد، ۱۳۹۴). از نظر ابن‌سینا اولین هدف تربیتی اصلاح نفس می‌باشد و آن را خیلی مهم بر می‌شمرد: اولین سیاستی که شایسته است انسان از آن شروع کند سیاست نفس خود او می‌باشد (میرزا محمدی، ۱۴۰۱). ابن‌سینا در رساله السعادة و ذکر الحجاج علی جوهریه النفس اظهار نمود: عده‌ای می‌پندارند که سعادت رسیدن به لذات حسی و ریاست‌های دنیوی است، باوجود این کسی که اهل پژوهش باشد، می‌داند که هیچکدام از لذت‌های حسی سعادت نیست، زیرا همه آنها دارای نواقص و کاستی‌ها هستند. از دیدگاه شیخ الرئيس، سعادت حقیقی امری است که ذاتاً مطلوب بوده و به دلیل خودش گزینش می‌گردد و یقیناً آنچه مطلوب با لذات است و سایر امور هم به جهت آن مطلوب واقع می‌شود، مهم‌تر از امری است که با توجه به چیزهای دیگر طلب می‌شود. سعادت بالاترین چیزی است که انسان آن را طلب می‌نماید و هدایت به سمت سعادت نیز ایده‌آل‌ترین هدایت‌هاست، چرا که سنگ محک هدایت‌ها به غایاتی است که به آن رهنمون می‌شوند. سعادت بزرگ «تزدیکی به حق اول است» که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز شمره می‌شوند و اولیای الهی میل و اشتیاقشان جهت رسیدن به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم می‌باشد (اعرافی، ۱۳۹۹). از دیدگاه ابن‌سینا تعلیم و تربیت مشتمل بر دو بعد فردی و اجتماعی می‌باشد بنابراین اهداف آن نیز به دو گروه فردی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. الف-

اهداف فردی: خودشناسی و تربیت و تهذیب نفس، نائل شدن انسان به سعادت در دنیا و پس از مرگ، برآورده شدن نیازهای روحی فرد، اشتغال و بدست آوردن درآمد حلال، شکوفا شدن عقل و ادراکات، احساس کرامت و عزت نفس، مهیا شدن برای ازدواج و تشکیل خانواده پس از اشتغال. مهم ترین هدف ایجاد عادت به تفکر در انسان هاست. ب- اهداف اجتماعی: معاشرت صحیح و عقلانی در جامعه، سعادت جامعه، پایداری و تقویت بنیان خانواده (زیباکلام مفرد، ۱۳۹۴). روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا: شناخت کامل فرد برای اصلاح او، استفاده از دوست خردمند برای اصلاح نفس، نصیحت و ارشاد، مقایسه اخلاق خود با دیگران (بناری، ۱۳۹۸). از منظر ابن سینا اهداف تربیت اخلاقی شامل اصلاح نفس، رسیدن به کمال و سعادت است (علی پور مقدم و ملک، ۱۴۰۲). سعادت ماهیتاً مطلوب می باشد و هدایت به سوی سعادت از والاترین هدایت ها است و تربیت اخلاقی فرد را پایه و بنیان کمال و سعادت دنیوی و اخروی در نظر می گیرد. ایشان سعادت و تربیت اخلاقی را نتیجه روش هایی مانند صداقت، زیباگویی، میانه روی، محبت، انجام کارهای خوب، نصیحت، رقابت در کارهای زیبا، آموزش روش ازدواج درست و مناسب جهت برخورداری زندگی همراه با آرامش، آموزش شغل و صنعت جهت بدست آوردن درآمد حلال و ... می داند همچنین از دیدگاه ابن سینا، معلم باید آشنا به تربیت فرد، پاکدامن، خردمند و دیندار باشد (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۱).

اصلی ترین نهاد اجتماعی در جامعه، آموزش و پرورش است که براساس تعالیم و احکام اسلامی تربیت اخلاقی دانش را ترسیم می نماید. اصلی ترین رسالت نظام آموزشی به مثابه یک سازمان، تربیت و آموزش، خلق دانش، تحقیق و خدمت به جامعه می باشد. از طرفی دیگر در راستای کمک به دانش آموزان جهت تبدیل شدن به شهروند قانون مدار، متعهد، خلاق و مسئول، دارا بودن الزامات اخلاقی و اجتماعی مهم شمرده می شود (برکویست، ۲۰۲۳). ایدئولوژی اسلام می بایست به برنامه های درسی مدارس سرایت یابد و در رفتار دانش آموزان خود را تبلور نماید. لذا برنامه های درسی ای که ارزش ها و هنجارهای اسلامی را قابل ملاحظه جلوه دهد مهم و حیاتی بوده و در این مسیر، صاحب نظران آموزش و برنامه های درسی باید خود مسلط، علاقه مند و متعهد به آموزش و پیاده سازی این ارزش ها باشند. بنابراین بررسی حساب شده، برنامه ریزی اولیه، هدف گذاری اصولی و تلاش مداوم برای آموزش و تقویت دانش آموزان بیش از پیش ضروری به نظر می رسد (باقری، ۱۳۹۵). این امر در دوره ابتدایی بسیار پررنگ می باشد زیرا این دوره از حیاتی ترین مقاطع زندگی هر انسانی بوده و سنگ بنای شخصیت، رفتارها و عادت های زیربنایی

یادگیری انسان‌ها بر چگونگی تربیتی پی‌ریزی شده که در این دوره انجام می‌پذیرد و آنچه بعدها هم حاصل می‌گردد، بر این بنیان نهاده شده است. آموزش دوره ابتدایی به‌عنوان مبنا و اصل همه آموزش‌ها مطرح می‌شود و در واقع سنگ زیربنای نظام آموزشی محسوب می‌گردد (لو و گائو، ۲۰۲۳). محتوای کتاب‌های این دوره در ذهن دانش‌آموزان، جزو نخستین نگاره‌هایی است که بر لوحی صاف و سفید نقش می‌بندد. دانش‌آموزان با خواندن این کتاب‌ها اولین اطلاعات و شناخت‌ها را درباره آداب و رسوم و قوانین و مقررات اجتماعی کسب می‌نمایند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۸).

از آنجاکه تربیت اخلاقی شالوده فعالیت‌های آتی افراد می‌باشد باید تدابیری اتخاذ گردد که در اوایل زندگی به‌صورت اساسی و حیاتی بر آن متمرکز شد و ثمره این نوع تربیت در دوره‌های آتی بویژه در ایام پر ریسک نوجوانی و جوانی خود را نشان می‌دهد (سجادی، ۱۴۰۰). در واقع دوران کودکی، اساسی‌ترین دوره سازندگی و تربیت اخلاقی بوده و بعد اخلاقی جهت زندگی و آینده کودک را تعیین می‌نماید. لذا جامعه برای کودکان بیش از هر چیز دیگری به نظام تربیتی صحیح اخلاقی، متکی است و تحقیق در زمینه چگونگی تربیت اخلاقی کودکان در عصر حاضر اهمیت قابل ملاحظه‌ای را دارا می‌باشد (بهلولی فسخودی، ۱۴۰۲) لذا با توجه به این مراتب می‌توان بیان نمود که مدرسه نمی‌تواند و نباید در برابر موضوع اخلاق منفعل باشد و از اینرو تحلیل موشکافانه مقوله تربیت اخلاقی در این دوره بسیار با اقبال پژوهشگران مواجه شده است (ملکی، ۱۳۹۵).

علی‌رغم اینکه تربیت اخلاقی بسیار مورد توجه فعالان تعلیم و تربیت بوده اما باز برخی در ضرورت تربیت اخلاقی و ارزشی با تردید به آن نگاه نموده و عده‌ای هم امکان چنین تربیتی را منتفی دانسته‌اند. گروهی دیگر با ارائه موضوعات معرفت‌شناختی، نسبت به امکان تحقق معرفت اخلاقی تردید دارند و این سوال را مطرح نموده‌اند که آیا معرفت اخلاقی از طریق یادگیری و آموزش بدست می‌آید؟ (نجارزادگان، ۱۴۰۱).

محققان برنامه‌ریزی درسی پس از ارزشیابی برنامه‌های درسی به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از برنامه‌های طراحی شده نسبت به بعد اصلی وجود متری منفعل می‌باشند. براساس نظرات کاستلانو و همکاران (۲۰۲۱)، ویژگی‌ها و شاخص‌های نظام‌های آموزشی طی دهه‌های اخیر متمرکز بر پیشرفت

¹ Lu & Gao

² Catalano

تحصیلی، تسلط بر موضوعات درسی، آموزش مهارت‌های لازم برای شرکت و موفقیت در آزمون‌ها و عدم توجه به رشد اجتماعی، عاطفی و اخلاقیات فراگیران بوده‌اند.

مطابق با نظر برکویست، مدارس وابسته به ارائه یک آموزش عالی‌تر به نام آموزش اخلاقی هستند (برکویست، ۲۰۲۲). بوک رئیس سابق دانشگاه هاروارد تاکید می‌نماید که مراکز آموزشی پیشرو در آمریکا باید متعهد به آموزش اخلاقی به‌عنوان یکی از کارکردهای مهم خود متعهد باشند (بول، ۲۰۲۲).

اهمیت تعلیم و تربیت به‌ویژه تربیت اخلاقی، در این مقطع زمانی خاص حیاتی و ضروری می‌باشد، و این بدان مفهوم است که تحولات فرهنگی و تغییر ارزش‌ها به نظام تربیتی منطبق با این تغییر و تحولات نیاز دارد. چنانچه انسان مزین به تربیت اخلاقی نباشد، هر چند در سایر جنبه‌های تربیت مثل عقلانی جسمانی و اجتماعی و ... پیشرفت کرده باشد، موفقیت لازم را کسب نمی‌کند و دچار عدم توازن خواهد گردید و چه بسا عدم توجه به تربیت اخلاقی، باعث از بین رفتن آثار مثبت دیگر جنبه‌های تربیت خواهد شد. این حوزه به مطالعات علمی کمی و کیفی زیادی لازم دارد. به‌طوریکه در در جامعه ما شایسته است که محققان، با ارائه الگویی از معیارها و رویکردهای اخلاقی به تقویت هر چه بهتر آن کمک کنند (میرزاحمدی، ۱۴۰۱). همچنین آگاهی از مبانی، اصول ضرورت می‌یابد و بنابراین انجام این پژوهش، هم دارای ارزشی نظری و هم دارای ارزش کاربردی است (افکاری، ۱۳۹۳).

مطابق با رویکرد نظری، تدوین درست دیدگاه‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی، منجر به تألیف کتب درسی دوره ابتدایی می‌شود که آموزش‌های پایه‌ای حوزه اخلاق را بنیان گذاری می‌نماید. عدم ارائه چارچوب و الگوی مشخص جهت کسب مهارت‌ها و صلاحیت‌های اخلاقی دانش‌آموزان، از کاستی‌های اصلی و مهم برنامه درسی فعلی و موجود می‌باشد (داوودی، ۱۴۰۰). از دیدگاه عملی نیز انجام این تحقیق مهم می‌باشد. از آنجا که جامعه از آسیب‌های اجتماعی گوناگونی رنج می‌برد و این امر نسل آینده کشور را با تهدید مواجه می‌سازد متمرکز شدن بر مبحث مهمی مانند پرورش فضیلت‌های اخلاقی در کودکان، باید به‌عنوان اصلی مهم در نظر گرفته شده و در نظام آموزشی کشور مورد توجه قرار گیرد (شجاعی فرد، ۱۴۰۱). از طرفی دیگر نتایج بررسی‌ها نشان دهنده این است که عدم توجه به فضیلت‌های اخلاقی و انسانی، منشأ اصلی نبود رابطه منسجم و هدفمند بین افراد مختلف در جامعه می‌باشد. والدین، مدرسه و جامعه به‌طور مستمر با مبحث تربیت کودکانی محترم و با اخلاق روبرو می‌باشند در دهه حاضر که

¹ Berkowitz

² Bull

نظارت بر کودکان کاری بسیار سخت و دقیق و زندگی در آن دارای پیچیدگی خاص خود می‌باشد، مقوله پرورش کودکان نجیب خیلی مهم و ضروری به نظر می‌رسد. از سویی دیگر تعصبات فردی و رفتارهای مغایر با اخلاق در جامعه گسترش یافته که دال بر کاستی‌های جدی در تربیت اخلاقی آحاد جامعه می‌باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳).

با توجه به این بیانات، جوامع اسلامی تنها با نظام آموزشی نظام‌مند، یکپارچه و با در نظر گرفتن نظرات فیلسوفانی چون ابن‌سینا می‌توانند وارد میدان توسعه و پیشرفت گردند. ازاینرو در پژوهش حاضر با توجه به شاخص‌های جدول ۱، الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های ابن‌سینا را مورد اعتباریابی قرار می‌دهد و لذا این پژوهش، الگوی عملی مناسبی بر اساس اهمیت دوره ابتدایی جهت استفاده برنامه‌ریزان است که دربرگیرنده اصول، محتوا، اهداف و روش‌های آموزش تربیت اخلاقی بر اساس رویکرد اسلامی ایرانی می‌باشد.^۱

جدول ۱- شاخص‌های برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره ابتدایی براساس آرا و اندیشه‌های ابن‌سینا

ردیف	شاخص	کد شاخص در مرحله کمی
۱	تأکید بر تواضع در بالندگی شخصیت	C1
۲	صبر راهگشا	C2
۳	توجه به تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی	C3
۴	نبیل به کمال حقیقی	C4
۵	اعتدال در قوای نفسانی	C5
۶	مالکیت و تسلط بر نفس	C6
۷	توجه به عیب پوشی به‌عنوان یکی از مکارم اخلاقی	C7
۸	رعایت اعتدال در همه امور	C8
۹	تقرب به الله تعالی به عنوان سعادت حقیقی	C9
۱۰	توجه به محاسبه نفس	C10
۱۱	سعادت اخروی، سعادت حقیقی	C11
۱۲	تأکید بر خودشناسی	C12
۱۳	شناخت رذائل اخلاقی	C13

^۱ مخاطب محترم جهت دسترسی به نحوه استخراج شاخص‌ها، به مقاله چاپ شده (س ۱۴، ش ۷، پیاپی ۷۶، تابستان ۱۴۰۳ صفحات ۷۹-۱۰۵) در فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اخلاقی کاربردی، مراجعه فرمایید.

۱۴	شناخت فضائل اخلاقی	C14
۱۵	تأکید بر روش پند و موعظه به عنوان راهبردی برای بیان فضایل و رذایل اخلاقی	C15
۱۶	امر به معروف و نهی از منکر، روشی برای تربیت اخلاقی	C16
۱۷	بهره گیری از الگوی تعاملی یادگیری در تربیت اخلاقی	C17
۱۸	توجه به نقش الهی معلم	C18
۱۹	نقش مهرورزانه معلم	C19
۲۰	ملاحظه رشد شناختی دانش آموزان در تربیت اخلاقی	C20

سؤالات تحقیق:

سوال اصلی:

- اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه های ابن سینا چگونه است؟

سوال فرعی:

- میزان اهمیت و رتبه بندی شاخص های برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه های ابن سینا چگونه است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش های مختلفی در راستای تربیت اخلاقی انجام شده است که هریک جنبه ای را مورد توجه قرار داده اند. در اینجا تازه ترین پژوهش هایی که ارتباط نزدیک با پژوهش حاضر را دارند بیان می شود: رویین تن و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی دیدگاه تربیت اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن سینا» انجام دادند. روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله، کیفی از نوع تحلیلی، بود. منابع تحقیق شامل کتاب ها، پایان نامه ها، مجلات، مقالات و پژوهش ها و تحقیقات مرتبط با موضوع می باشد. یافته های پژوهش شامل شناسایی اهداف تربیت اخلاقی و اهداف آموزشی، شناسایی اصول تربیت اخلاقی شامل ارزشمندی انسان، اقتدا به طبیعت طفل و... است جهت نیل به این اهداف، روش هایی مانند پرهیز از همنشینی با بدان و دوری از شنیدن حکایات آنان و... ارائه شده است.

شجاعی فرد (۱۴۰۱)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت اخلاقی در کتب ادبیات فارسی دوره متوسطه اول، بعد از تحلیل محتوای ادبیات فارسی» نشان داد که در پایه هفتم

میزان ۲۲,۷ درصد، شاخص‌های تربیت اخلاقی تأثیرگذار بوده و در پایه هشتم میزان به میزان ۵۹,۱۱ درصد توجه شده که نشان از توجه ضعیف است.

عالم گرد خطبه سرا و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی تحت عنوان «تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا و هربارت» انجام دادند. جهت پاسخ به سوالات تحقیق و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی (تحلیلی، اسنادی) استفاده گردید. نتایج نشان دهنده این بود که رسیدن به اهداف اخلاقی آموزش و پرورش بسیار مهم می‌باشد. در عین حال می‌توان گفت هربارت، تربیت اخلاقی مبتنی بر علم روانشناسی و ابن سینا به اخلاق با رویکردی اسلامی معتقد می‌باشد. در محتوای تربیتی ابن‌سینا تمرکز بر آموزه‌های دینی با مضمون‌های اخلاقی دارد و هربارت بر محتوای مبتنی بر علائق فراگیران تأکید می‌نماید. در روش‌های تربیتی، ابن سینا توجه بر روش‌های تلقین، بحث و گفتگو دارد و هربارت بر روش خاص علمی مبتنی بر اصول روانشناختی تأکید می‌نماید.

پاملا و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان «مقایسه دیدگاه معلمان در اخلاق آموزش اخلاق، یک مطالعه تطبیقی در ترکیه و ایالات متحده»، ارائه دادند. آنها چگونگی رویکرد اخلاقی معلمان، تعلیم و تربیت اخلاقی و رشد اخلاقی کودکان در ترکیه و ایالات متحده را بررسی نمودند چرا که هر دو کشور دارای فرهنگ گوناگون و سابقه وسیعی در تربیت اخلاقی براساس سکولار داشتند. یافته‌ها نشان دادند که معلمان آمریکایی بیشتر به عمل اخلاقی و اخلاق در بسته به جای ارزش‌های جهانی توجه داشتند و معلمان ترکیه بیشتر به ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های جهانی که در پایداری دولت ترکیه موثر هستند توجه داشتند و معلمان دو کشور نظرات گوناگونی در مورد تعریف اخلاق و تربیت اخلاقی داشتند در عین حال معلمان هر دو کشور تأکید داشتند که اخلاقیات بایستی توسط معلم تدریس گردد.

کارولین (۲۰۲۱)، در مقاله خود با عنوان «رشد اخلاقی و انگیزش دانش‌آموزان در تربیت اخلاقی مطالعه سنگاپور» به این نتیجه رسید که توجه و اشتیاق به احیاء آموزش اخلاقی در جهان باتوجه به افزایش جرم و جنایت در جوامع پیشرفته مانند تیراندازی در موسسات و مدارس ایالات متحده زیاد شده است.

کارن (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان «جنبه‌های انگیزشی یادگیری و پیشرفت اخلاق»، انجام داد. او در تحقیق، یادگیری اخلاقی را با در نظر گرفتن زمینه اجتماعی آن و ظرفیت پیشرفت اخلاق بررسی نمود

¹ Pamela et al.

² Carolin

³ Curren

او در تحقیق سوالاتی مطرح نمود که عبارتند از: پیشرفت اخلاقی چگونه امکان پذیر بوده و تربیت اخلاقی می تواند پیشرفت را چگونه تسهیل نماید و برای این کار ارتباط بین عادت و استدلال اخلاقی در آموزش اخلاقی ارسطو را مورد بررسی قرار داد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر نوع روش، روش تحقیق کمی محسوب می گردد و به شیوه میدانی و از نوع پیمایشی استفاده شده است. برای این منظور، از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شد. مدلسازی ساختاری تفسیری، مدلی مناسب برای تحلیل تاثیر یک مولفه بر دیگر مولفه ها است. این روش بر ترتیب و جهت روابط پیچیده میان مولفه یک سیستم تاثیر می گذارد، به بیان دیگر، ابزاری است که به وسیله آن، گروه می توانند بر پیچیدگی بین مولفه ها غلبه کنند.

جامعه آماری، نمونه آماری و حجم نمونه مورد مطالعه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در پژوهش مورد مطالعه شامل: متخصصان برنامه درسی که در زمینه تربیت اخلاقی نیز فعالیت نموده اند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته می باشد که روایی آن توسط ۹ نفر متخصص حوزه علوم تربیتی تایید گردید. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شد و چون این تکنیک خبره محور می باشد، نمونه آماری از ۲۰ تا ۳۰ نفر نیز کفایت می کند (تادیک و همکاران، ۲۰۱۹) که در تحقیق حاضر برابر با ۲۵ نفر بودند. روش نمونه گیری، هدفمند است. به طوریکه متخصصان برنامه درسی که در این زمینه صاحب نظر واجد شرایط بودند به عنوان نمونه انتخاب شدند و اطلاعات جمعیت شناختی آنها به شرح ذیل می باشد:

- جنسیت مشارکت کنندگان در بخش اعتباریابی

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی جنسیت مشارکت کنندگان در بخش اعتباریابی

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۵	۶۸٪
زن	۱۰	۳۲٪
مجموع	۲۵	۱۰۰

- تحصيلات مشارکت کنندگان در بخش اعتباریابی

جدول ۳- فراوانی و درصد فراوانی تحصیلات در بخش اعتباریابی

درصد	فراوانی	تحصیلات
۹۲٪	۲۳	دکتر
۸٪	۲	پسادکتر
۱۰۰	۲۵	مجموع

- سن مشارکت کنندگان در بخش اعتباریابی

جدول ۴- فراوانی و درصد فراوانی سن در بخش اعتباریابی

درصد	فراوانی	تحصیلات
۸٪	۲	۳۱-۳۶ سال
۲۱٪	۵	۳۷-۴۲ سال
۲۹٪	۸	۴۳-۴۸ سال
۲۶٪	۷	۴۹-۵۴ سال
۱۶٪	۳	۵۵ سال به بالا
۱۰۰	۲۵	مجموع

- سابقه خدمت جامعه آماری در بخش اعتباریابی

جدول ۵- فراوانی گروه‌های سابقه خدمت

درصد فراوانی	فراوانی	سابقه خدمت
۱۲٪	۳	کمتر از ۱۰ سال
۴۴٪	۱۱	بین ۱۱ تا ۱۵ سال
۴۰٪	۱۰	بین ۱۶ تا ۲۰ سال
۴٪	۱	بیش از ۲۱ سال
۱۰۰٪	۲۵	جمع کل

یافته‌ها

به‌منظور پاسخ به سوال اصلی تحقیق، از روش ISM مطابق با فرایند زیر استفاده می‌شود (کانان و همکاران، ۲۰۰۹؛ سیندو و همکاران، ۲۰۱۶):

گام اول: شناسایی شاخص‌های تحقیق

در این تحقیق، ۲۰ شاخص به‌منظور ساختاردهی به شاخص‌های تربیت اخلاقی در آرا و اندیشه‌های ابن‌سینا استخراج و مطابق با جدول ۱، ارائه شده است.

گام دوم: جمع‌آوری داده‌ها و تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

در این مرحله، خبرگان شاخص‌های تحقیق را از طریق مقایسات زوجی مورد بررسی قرار می‌دهند و با استفاده از علامت‌های زیر به تعیین روابط بین شاخص‌ها می‌پردازند.

V: ارتباط یک طرفه از i به j؛ A: ارتباط یک طرفه از j به i؛ X: ارتباط دو طرفه از i به j و بالعکس؛ O: ارتباطی بین i و j وجود ندارد.

در این راستا، خبرگان تحقیق با توجه به علائم فوق ارتباط بین شاخص‌های تحقیق را در پرسشنامه مشخص نمودند که خروجی آن در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- ماتریس خود تعاملی ساختاری

J	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
I	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
C ₁	-	A	V	O	A	A	V	O	A	X	O	O	A	V	O	V	O	A	A	O
C ₂	-	-	O	A	V	O	V	X	O	O	A	V	O	V	V	V	A	A	O	O
C ₃	-	-	-	A	A	A	V	X	V	O	V	V	V	O	A	A	O	O	V	V
C ₄	-	-	-	-	V	A	V	A	O	O	V	V	X	O	A	V	O	O	V	V
C ₅	-	-	-	-	-	A	V	X	V	X	X	V	V	V	A	A	O	A	A	O
C ₆	-	-	-	-	-	-	V	V	O	V	A	V	V	O	V	V	V	V	O	V
C ₇	-	-	-	-	-	-	-	A	X	X	X	O	V	O	A	X	V	O	O	O
C ₈	-	-	-	-	-	-	-	-	V	V	A	A	O	O	O	V	O	A	O	V

¹ Kannan

² Sindhu

O	A	A	O	A	A	O	A	O	A	O	-	-	-	-	-	-	-	-	C 9
X	O	A	O	V	V	A	O	A	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 10
V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 11
O	V	A	A	O	A	V	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 12
O	O	X	A	A	A	A	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 13
O	O	O	V	V	O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 14
O	O	A	O	V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 15
V	O	V	V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 16
O	A	A	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 17
V	A	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 18
V	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 19
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	C 20

گام سوم: تشکیل ماتریس دسترسی اولیه

ماتریس دسترسی اولیه، ماتریس ۱-۰ خود تعاملی ساختاری می‌باشد که از طریق تبدیل علامت‌های V ، A ، X و O بدین صورت است که چنانچه رابطه بین شاخص‌ها به صورت V باشد، $1=(i,j)$ و $0=(j,i)$ ؛ اگر رابطه به صورت A باشد $0=(i,j)$ و $1=(j,i)$ ؛ چنانچه رابطه بین شاخص‌ها به صورت X باشد، $1=(i,j)=1=(j,i)$ ؛ و اگر چنانچه رابطه بین شاخص‌ها به صورت O باشد، $0=(j,i)=0=(i,j)$ خواهد بود (در صورتی که $i=j$ باشد در وروی ماتریس یک قرار داده می‌شود). باتوجه به رویه گفته شده ماتریس دسترسی اولیه مطابق با جدول ۷، حاصل می‌گردد.

جدول ۷- ماتریس دسترسی اولیه

C 2 0	C 1 9	C 1 8	C 1 7	C 1 6	C 1 5	C 1 4	C 1 3	C 1 2	C 1 1	C 1 0	C 9	C 8	C 7	C 6	C 5	C 4	C 3	C 2	C 1	
۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	C 1
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	C 2
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	C 3
۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	C 4
۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	C 5
۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	C 6
۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C 7
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	C 8
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	C 9
۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	C 10
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	C 11
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C 12
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	C 13
۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	C 14
۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	C 15
۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	C 16
۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C 17
۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	C 18
۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	C 19
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	C 20

گام چهارم: تشکیل ماتریس دسترسی نهایی

با وارد نمودن انتقال پذیری در روابط بین شاخص ها لازم است که ماتریس دسترسی اولیه سازگار شود. انتقال پذیری بدین صورت است که اگر شاخص i منجر به شاخص j گردیده و شاخص j نیز منجر به شاخص k گردد، آنگاه شاخص i نیز منجر به شاخص k خواهد شد. روش به دست آوردن ماتریس

دسترسی با استفاده از نظریه اویلر است که در آن ماتریس مجاورت را به ماتریس واحد اضافه می‌کنیم و سپس این ماتریس را در صورت تغییر نکردن درایه‌های ماتریس به توان n می‌رسانیم. فرمول زیر روش تعیین ماتریس دسترسی را با استفاده از ماتریس مجاورت نشان می‌دهد:

$$A + I \quad (۱)$$

$$M = (A+I)^n \quad (۲)$$

که ماتریس A ماتریس دسترسی اولیه، I ماتریس همانی و M ماتریس دسترسی نهایی است. عملیات به توان رساندن ماتریس باید طبق قاعده بولین باشد یعنی $۱ \times ۱ = ۱$ و $۱ + ۱ = ۱$. نتیجه در جدول ۸، نشان داده شده است (در این جدول اعدادی که علامت * گرفته‌اند، نشان می‌دهند که در ماتریس دسترسی اولیه صفر بوده و پس از سازگاری عدد ۱ گرفته‌اند).

جدول ۸- ماتریس دسترسی نهایی

ن فرد ذ	C 2 0	C 1 9	C 1 8	C 1 7	C 1 6	C 1 5	C 1 4	C 1 3	C 1 2	C 1 1	C 1 0	C 9	C 8	C 7	C 6	C 5	C 4	C 3	C 2	C 1	
۱ ۷	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱	*	*			*	*		*		C 1
۱ ۹	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	*	۱	۱	*	۱	*	*	۱	۱	C 2
۲ ۰	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	*	*	*		*	*	C 3
۲ ۰	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	*	*		*	۱	۱	۱	۱	*	C 4
۲ ۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*	۱	*	۱	C 5
۲ ۰	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*	C 6
۲ ۰	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	*	۱	*	*	*	*	*	*	C 7
۱ ۸	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	*	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	*	۱	۱	۱	۱	*	C 8
۴	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱	*	۱	*	*	*	*	*	۱	C 9
۱ ۷	۱	*	۱*	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	*	*	۱	*	۱	*	*	*	۱	C 10
۲ ۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	*	*	۱	*	C 11
۱ ۸	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	*	۱	*	۱	۱	*	*	*	*	*	*	C 12

۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱	*	*	۰	*	۱	*	*	۱	C
۹													۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	13
۱	۱*	۰	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱	*	*	*	۰	۱	*	*	۰	*	C
۷												۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	14
۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۰	۱	۱	۱*	۱	۱	*	۱	۰	۱	۱	۱	*	*	C
۸													۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	15
۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱*	۰	۱	۱*	۱*	۱*	۱	*	۱	۰	*	*	۱	*	*	C
۸													۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	16
۱	۰	۱*	۱*	۱	۰	۰	۱*	۱	۱	۰	۱*	*	*	۰	۰	۰	*	۰	۰	*	C
۱												۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	17
۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	*	۱	۱	C
۸																					18
۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	*	*	۰	۱	۰	*	*	۱	C
۸													۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	19
۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۰	*	*	*	*	*	۰	۰	*	۰	C
۶													۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	20
																					وا
																					ب
																					س
																					ت
																					گی

گام پنجم: بخش بندی سطوح شاخص ها

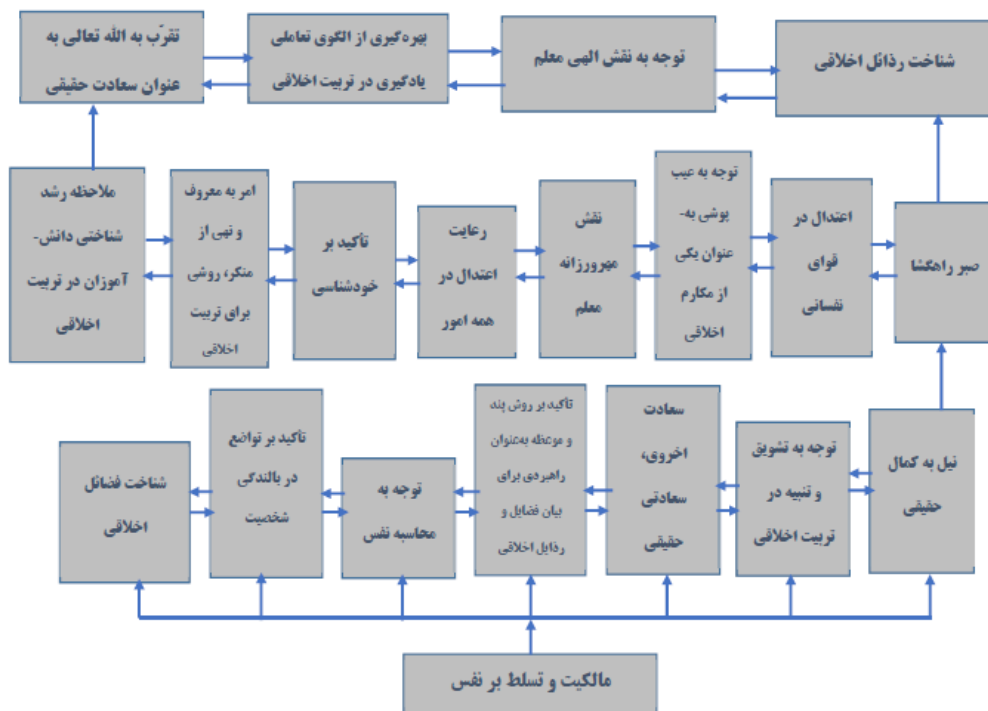
در این گام، ماتریس دسترسی نهایی به سطوح مختلف دسته بندی می شود. بطوریکه مجموعه خروجی و ورودی برای هر شاخص به دست می آید. مجموعه ورودی شامل خود شاخص و مجموعه شاخص هایی می باشند که بر آن تأثیر می گذارد (تعداد اهای هر ستون) و همچنین مجموعه خروجی شامل خود شاخص و شاخص هایی می باشند که از آن تأثیر می گیرند (تعداد اهای هر سطر). سپس نیاز به تهیه لیست مجموعه اشتراکی است که شامل اشتراک شاخص هایی هستند که در مجموعه ورودی و خروجی به طور مشترک حضور می یابند. شاخص هایی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشند، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می گیرند. به منظور یافتن اجزای تشکیل دهنده سطح بعدی سیستم اجزای بالاترین سطح آن در محاسبات ریاضی جدول مربوط حذف می شود و عملیات مربوط به تعیین اجزای سطح بعدی مانند روش تعیین اجزای بالاترین سطح انجام می شود. به دلیل حجم قابل توجه محاسبات، نتیجه نهایی سطح بندی شاخص ها مطابق با جدول ۹، ارائه می گردد.

جدول ۹- تعیین سطوح شاخص‌ها

شاخص	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
C9	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,3,7,9,10,11,13,14,16,17,18	1,3,7,9,10,11,13,14,16,17,18	I
C13	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,2,3,4,5,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,2,3,4,5,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	I
C17	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,4,8,9,10,12,13,14,17,18,19	1,4,8,9,10,12,13,14,17,18,19	I
C18	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,2,3,5,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	1,2,3,5,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18,19,20	II
C2	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C5	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C7	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C8	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C12	2,3,4,5,7,8,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,7,8,12,15,16,19,20	II
C16	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C19	2,3,5,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,5,7,8,11,12,15,16,19,20	II
C20	2,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,3,4,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	2,5,6,7,8,11,12,15,16,19,20	III
C1	3,4,6,11	3,4,6,11	3,4,6,11	III
C3	3,4,6,11	3,4,6,11	3,4,6,11	III
C4	3,4,6,11	3,4,6,11	3,4,6,11	III
C10	3,11	3,4,6,11	3,11	III
C11	3,4,6,11	3,4,6,11	3,4,6,11	III
C14	3,4,11	3,4,6,11	3,4,11	III
C15	3,4,11	3,4,6,11	3,4,11	III
C6	3,4,6,11	3,4,6,11	3,4,6,11	IV

گام ششم: ترسیم مدل

با توجه به سطوح متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی مدل ISM ترسیم می‌گردد. به عبارت دیگر، با تلفیق روابط بین شاخص‌ها می‌توان نمودار شبکه تعاملات آنها را ترسیم نمود. این مدل بیانگر سلسله مراتب قرار گرفتن عوامل نسبت به هم و روابط میان آنهاست. به گونه‌ای که شاخص‌های مراتب بالاتر از شاخص‌های پایین‌تر خود تأثیر بپذیرند. در واقع مدل ترسیم شده همان نمایش گرافیکی جداول محاسبه شده مراحل ماقبل است. به همین منظور ابتدا شاخص‌ها بر حسب سطح آنها از پایین به بالا تنظیم می‌شوند. در تحقیق حاضر شاخص‌ها در ۷ سطح قرار گرفته‌اند که در شکل ۱، نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل ساختاری شاخص های برنامه درسی تربیت اخلاقی (منبع: نگارندگان تحقیق)

براساس شکل ۱، شاخص "مالکیت و تسلط بر نفس" به عنوان مبنا و پایه شاخص برنامه درسی تربیت اخلاقی محسوب می شود.

گام هفتم: مدل تعیین اهمیت

به منظور پاسخ به سوال فرعی تحقیق، از مدل تعیین اهمیت براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی در ماتریس دسترسی، استفاده می گردد. به طوریکه میزان اهمیت هر شاخص از کسر نمودن میزان وابستگی از قدرت نفوذ حاصل می گردد نتایج در جدول ۱۰، ارائه شده است.

جدول ۱۰- میزان اهمیت و رتبه بندی شاخص های برنامه درسی تربیت اخلاقی

شاخص	قدرت نفوذ	میزان وابستگی	میزان اهمیت	رتبه
تأکید بر تواضع در بالندگی شخصیت	۱۷	۱۹	-۲	۸
صبر راهگشا	۱۹	۱۵	۴	۳
توجه به تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی	۲۰	۱۸	۲	۴
نیل به کمال حقیقی	۲۰	۱۵	۵	۲

۴	۲	۱۸	۲۰	اعتدال در قوای نفسانی
۱	۱۳	۷	۲۰	مالکیت و تسلط بر نفس
۵	۱	۱۹	۲۰	توجه به عیب پوشی به‌عنوان یکی از مکارم اخلاقی
۷	-۱	۱۹	۱۸	رعایت اعتدال در همه امور
۱۰	-۱۶	۲۰	۴	تقرب به الله تعالی به عنوان سعادت حقیقی
۸	-۲	۱۹	۱۷	توجه به محاسبه نفس
۴	۲	۱۸	۲۰	سعادت اخروی، سعادت حقیقی
۷	-۱	۱۹	۱۸	تأکید بر خودشناسی
۷	-۱	۲۰	۱۹	شناخت رذائل اخلاقی
۶	۰	۱۷	۱۷	شناخت فضائل اخلاقی
۶	۰	۱۸	۱۸	تأکید بر روش پند و موعظه به‌عنوان راهبردی برای بیان فضایل و رذایل اخلاقی
۷	-۱	۱۹	۱۸	امر به معروف و نهی از منکر، روشی برای تربیت اخلاقی
۹	-۹	۲۰	۱۱	بهره‌گیری از الگوی تعاملی یادگیری در تربیت اخلاقی
۸	-۲	۲۰	۱۸	توجه به نقش الهی معلم
۵	۱	۱۷	۱۸	نقش مهرورزانه معلم
۸	-۲	۱۸	۱۶	ملاحظه رشد شناختی دانش‌آموزان در تربیت اخلاقی

باتوجه به جدول ۱۰، شاخص‌هایی که میزان اهمیت آنها مثبت‌تر می‌باشد دارای رتبه بهتر، و بالعکس شاخص‌هایی که منفی‌تر می‌باشند دارای رتبه بدتری هستند. بنابراین میزان اهمیت شاخص "مالکیت و تسلط بر نفس" از سایر شاخص‌ها بهتر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به مهم بودن تربیت اخلاقی، از طرفی به مقام اخلاق در نظام اجتماعی و کارکردی که اخلاق فاصله در سعادت فردی و اجتماعی انسان دارد ربط پیدا می‌کند و از طرفی دیگر، به ارتباط و درهم تنیدگی قوی اخلاق و تربیت مربوط می‌گردد تا آنجاکه که سالیان زیادی مریبان تربیتی، تربیت کردن فرد را با مزین نمودن او به اخلاق شایسته یکی می‌دانسته‌اند. تبلور شاخص‌های تربیت اخلاقی در برنامه‌ریزی درسی، از محوری‌ترین پایه‌های آموزش و پرورش هر کشور می‌باشد. در این مرحله از فرایند آموزش، اهداف مورد نظر نظام آموزشی شکل گرفته و در چارچوبی نظام‌مند و قابل اجرا به مجریان امر آموزش و پرورش احاله می‌گردد. تحقیقات صورت گرفته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی بیانگر این

است که در ورای مباحث و مواد آموزشی، مسائل فلسفی، سیاسی، اجتماعی و... مورد نظر اندیشمندان و متولیان اداره کشورها گنجانده می شود و به دانش آموزان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم یاد داده می شود. در عصر حاضر، جهت رشد اخلاق در مدارس، تلاش های بسیاری صورت گرفته است زیرا دانش بدون اخلاق ناقص بوده و از آنجا که سنگ بنای اخلاق در دوره ابتدایی شکل می گیرد، لذا تمرکز به این موضوع در دوره دبستان بسیار ضروری و مهم می باشد.

پرورش و توسعه مهارت فهم و درک فراگیران جهت تشخیص ارزش های اخلاقی و رفتارهای درست و نادرست از یکدیگر، هدف اساسی تربیت اخلاقی می باشد. مقاله حاضر با هدف اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه های ابن سینا، انجام شده است. از این بین، شاخص هایی که اهداف آنها در راستای موضوع پژوهش بود، انتخاب و با استفاده از روش مدلسازی ساختاری تفسیری نسبت به اعتباریابی شاخص ها اقدام گردید. به طوریکه، مطابق با گام های ارائه شده در روش ISM، شاخص "مالکیت و تسلط بر نفس" به عنوان مبنا و پایه شاخص های برنامه درسی تربیت اخلاقی محسوب می شود (شکل ۱). همچنین به منظور پاسخ به سوال فرعی پژوهش، مطابق با تحلیل داده های جدول ۱۰، شاخص هایی که میزان اهمیت آنها مثبت تر می باشد دارای رتبه بهتری می باشند بنابراین میزان اهمیت شاخص "مالکیت و تسلط بر نفس" از سایر شاخص ها بهتر می باشد.

ابن سینا، تربیت اخلاقی را مالکیت و تسلط نفس می داند و بر اهمیت آن تأکید دارد: «نخستین سیاستی که سزاوار است انسان را به آن آغاز کند، سیاست نفس خود اوست یعنی اول باید در اصلاح نفس خود بکوشد، سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برده و خویشتن را صالح و نیکو بنماید. چه نفس آدمی نزدیک ترین و محترم ترین چیزهاست، نسبت به او و در میان آن ها به عنایت و توجه سزاوارتر و شایسته تر است» (ابن سینا، ۱۳۹۹). همچنین یکی از هدف های واسطه ای تربیت اعتقادی کودک رشد دیدگاه های اعتقادی کودک است. از این منظر مالکیت و تسلط نفس، نخستین روش برای نیل به این هدف معرفی شده است. از نظر ابن سینا، هدف کلی تربیت اعتقادی، مذهبی بار آوردن کودک است؛ به گونه ای که به تعالیم مذهب مومن و معتقد و برنامه های آن را عامل باشد. هدف این است که کودک ما اسلام را به عنوان مکتبی سازنده و حیات بخش بپذیرد و تعالیم آن را به صورت افکاری اصیل و هیجان انگیز در خود پذیرا شود. زندگی حال و آینده خود را براساس فلسفه ای که مذهب معین می کند، رنگ و صورت دهد (بادکوبه، ۱۳۹۸).

انسان باید در این مسیر برای به دست آوردن فضایل انسانی، نفس خود را محاسبه کرده، عیب‌های آن را شناسایی و برای تحصیل فضایل و صفات نیکو تلاش کند و چون در نظام فکری ابن‌سینا، دستیابی به فضایل که خود زمینه‌ساز رسیدن به مدینه فاضله و در نتیجه تأمین سعادت افراد جامعه است، جز از طریق تعلیم و تربیت صحیح امکان‌پذیر نیست، از این رو، اهمیت تعلیم و تربیت در این نظام به وضوح نمایان می‌شود.

از منظر فردی، اولین هدف تربیتی، تسلط بر نفس می‌باشد. اولین سیاستی که شایسته است انسان از آن شروع کند، سیاست نفس خود او می‌باشد. ابن‌سینا در رساله السعاده و ذکر الحجج علی جوهریه النفس اظهار نمود: عده‌ای می‌پندارند که سعادت رسیدن به لذات حسی و ریاست‌های دنیوی است، باوجود این کسی که اهل پژوهش باشد، می‌داند که هیچکدام از لذت‌های حسی سعادت نیست، زیرا همه آنها دارای نواقص و کاستی‌ها هستند (اعرافی، ۱۳۹۹). از دیدگاه شیخ الرئیس، سعادت حقیقی امری است که ذاتاً مطلوب بوده و به دلیل خودش گزینش می‌گردد و یقیناً آنچه مطلوب با لذات است و سایر امور هم به جهت آن مطلوب واقع می‌شود، مهم‌تر از امری است که باتوجه به چیزهای دیگر طلب می‌شود (عالم گرد خطبه سرا و دیگران، ۱۳۹۹). سعادت بالاترین چیزی است که انسان آن را طلب می‌نماید و هدایت به سمت سعادت نیز ایده‌آل‌ترین هدایت‌هاست.

از منظر اجتماعی، توجه به مهم بودن تربیت اخلاقی، از طرفی به مقام اخلاق در نظام اجتماعی و کارکردی که اخلاق فاضله در سعادت فردی و اجتماعی انسان دارد ربط پیدا می‌کند و از طرفی دیگر، به ارتباط و درهم تنیدگی قوای اخلاق و تربیت مربوط می‌گردد تا آنجاکه که سالیان زیادی مریبان تربیتی، تربیت کردن فرد را با مزین نمودن او به اخلاق شایسته یکی می‌دانسته‌اند. براساس نتایج بدست آمده اخلاق به‌عنوان یک امر وجودی و یکی از ساحت‌های آن بخش مهمی از هویت فردی- اجتماعی دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد و نظام آموزشی نمی‌تواند و نباید نسبت به این جز از هویت و شخصیت افراد بیتفاوت باشد و باید با ایجاد مقدمات و بسترسازی مناسب زمینه تعالی اخلاقی افراد و اجتماع را فراهم آورد.

تعلیم و تربیت در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی موردنظر و دفاع ابن‌سینا، به‌طور جدایی ناپذیری با خیر اخلاقی مرتبط است و بدون تعهد اخلاقی به آموزش و پرورش و علم، به‌عنوان ابزاری غیرمسئولانه و خطرناک نگریسته می‌شود. نکته‌ای که در دیدگاه تربیتی ابن‌سینا اهمیت دارد آن است که او تعلیم و تربیت را زیر چتر دین و با تأکید بر اندیشه‌ورزی و تعقل در امور ترسیم می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت

که او دارای یک رویکرد عقلانی با در نظر گرفتن غایت الهی در تعلیم و تربیت است. با توجه به این مطلب، جوامع اسلامی تنها با یک نظام آموزشی منسجم و با اتکال به نظرات فیلسوفانی چون ابن سینا می توانند وارد عرصه توسعه و پیشرفت شوند به طوری که ویژگی اصلی آن کسب حقیقت و به گونه ای باشد که این بزرگان توصیه نموده اند.

از طرفی دیگر، در زمینه آگاهی بخشی و درک ارزش ها به طور کلی تربیت اخلاقی باید با توانایی ها و ظرفیت های شناختی دانش آموزان تناسب داشته باشد. که این یافته ها، با یافته های تحقیق، حسنی و وجدانی (۱۳۹۹) و حسنی (۱۴۰۱)، هم جهت می باشند که در جهت تبیین برنامه درسی تربیت اخلاقی بیان نمودند در راستای اینکه دانش آموزان تصمیمات اخلاقی درستی را اتخاذ کنند می بایست قادر باشند مفاهیم و مضامین اخلاقی مباحث را درک و فهم کنند و مصادیق آن را در رخدادها و رویدادهای زندگی درک و فهم کنند.

به طور کلی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی به عنوان الگوی مطلوب در واکنش به کاستی هایی که در فرایند تربیت اخلاقی در حال حاضر وجود دارد و با هدف چرخش از فرایند تدریس صرف ارزش ها به تربیت اخلاقی طراحی شده است. برنامه درسی پیشنهاد می کند که برای تربیت اخلاقی کارآمد باید از پتانسیل همه حلقه های یادگیری موجود در یک برنامه درسی مانند دیسپلین محوری و ظرفیت تلفیق خرد در سطح سایر دروس و تلفیق کلان با کل مدرسه بهره برد. برای دستیابی به این مهم نیاز است تا همه افرادی که به نوعی در فرایند تربیت اخلاقی به صورت صریح یا ضمنی درگیر هستند اهمیت این ساخت از یادگیری و نسبت آن با سیر ساحت های تربیت را درک کرده و با وظایف و مأموریت های خود در این خصوص آشنا باشند. از این رو برنامه رشد حرفه ای منابع انسانی البته با تأکید در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران با وجود تأکیدات بسیار بر تربیت اخلاقی، به طور رسمی مصوب برنامه درسی تربیت اخلاقی وجود ندارد. در نگاه حاکم تربیت اخلاقی یک دیسپلین درسی نیست که مانند علوم و ریاضی که دارای یک برنامه درسی و کتاب و بسته آموزشی مشخصی باشد. تربیت اخلاقی جریانی گسترده و فراگیر تلقی شده است که باید در تمامی عرصه های زندگی مدرسه ای نمود و بروز داشته باشد.

پیشنهادهای پژوهش:

- با توجه به اهمیت تسلط بر نفس در برنامه درسی تربیت اخلاقی، ضروری است که پیش از آنکه از بیرون به تربیت انسان توجه شود، در آغاز، خودشناسی فرد را به وی نمایان سازد تا خودجوش در تکاپوی رشد و تزکیه باشد. تعلیم بر خویش شرط کارایی تعلیم دیگران است. اهتمام به آن هم اهتمام به یک اقدام فضیلت آمیز است و هم اهتمام به تحقق شرط یک فضیلت دیگر (تعلیم دیگران) است. اهتمام به تعلیم دیگران ممکن است با غفلت از خویش همراه گردد. اما پرداختن به تعلیم خویش لزوماً با خودآگاهی و توجه به خویش همراه است. تأدیب خویش بسی سخت تر و پیچیده تر از تأدیب دیگران است. فضیلتی که دشواریاب است و نیل به آن به مجاهده بیشتری نیاز دارد، ستودنی‌تر است.
- از عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز مالکیت و تسلط بر نفس شود توجه به مقوله آموزش است. از آنجاکه قرآن دستور کامل و سازنده است، به همه نکات و لطایف آموزش توجه دارد. از اینرو در آموزش به دو اصل آموزش کتاب (گزاره‌های معرفتی و آموزه‌های دستور آسمانی) و حکمت (فلسفه و دانش هدف خلقت و تدبیر امور و شناخت حقایق علم) متمرکز می‌گردد.
- با توجه به نتایج تحقیق، ابن‌سینا تشویق و تنبیه را از خود فرد و در اصلاح نفس شروع می‌کند لذا در این راستا، روش تشویق و تنبیه توسط خود فرد، راهی مناسب در برانگیختن انسان به سوی خیر و صلاح و بازداشتن آدمی از شر و فساد است و چنانچه این روش بدرستی و بر اساس آداب آن به کار گرفته شود، نقشی مؤثر و ماندگاری در تربیت و سازندگی شخصیت انسان‌ها طی دوران‌های مختلف زندگی خواهد داشت.
- امروزه با توجه به اینکه به علوم رفتاری و روان‌شناسی به کمک تعلیم و تربیت، آمده و در کشور ما نیز بسیاری از نظریه‌های یادگیری و تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش کشور اعمال شده لازم است این نظریه‌های رفتاری و تعلیمی مبتنی بر نگرش‌های تاریخی، سنتی و مذهبی ایران و اسلام باشد. از این‌رو بررسی نظریه‌های اندیشمندان اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت از اهمیت بسیاری برخوردار است لذا در این راستا، ضروری است نتایج پژوهش حاضر در برنامه‌ریزی‌های درسی مورد توجه قرار گرفته و یافته‌های تحقیق به بوته آزمایش گذاشته شود.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۹۹)، اشارت و تنبیهات. ترجمه احسان یارشاطر. ج ۱ و ۲. تهران: سروش
- اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۹)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: انتشارت سمت.
- افکاری، فرشته، (۱۳۹۳)، نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتابهای درسی بخوانیم و بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمانی، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه‌ریزی، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- بادکوبه، احمد، (۱۳۹۸)، درآمدی بر تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا، مجموعه مقالات همایش بین-المللی ابن سینا، ۴ (۱)، ۳۹-۲۵.
- باقری، خسرو، (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد ۸، تهران، موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- بناری، علی همت، (۱۳۹۸)، تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، تربیت اسلامی، ۱۶۶-۱۹۲.
- بهلولی فسخودی، محسن، (۱۴۰۲)، تحلیل نسبت میان تربیت اخلاقی و تلقین، تأملات اخلاقی، ۳، ۳۷-۴۹.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۹۹)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- حسینی، محمد و وجدانی، فاطمه، (۱۳۹۹)، تحلیل محتوای کیفی کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی، تربیت اسلامی، ۱۲ (۲۵)، ۵۴-۲۹.
- حسینی، محمد، (۱۴۰۱)، بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، تربیت اخلاقی، ۱۱ (۲۲)، ۵۱-۲۵.
- خلیلی، سمیه؛ افشار، لیلا؛ عباسی، محمود، (۱۴۰۱)، بررسی تعلیم و تربیت در اخلاق از دیدگاه ابن سینا، فصلنامه تاریخ پزشکی، ۸، ۱۷۲-۱۴۱.
- دانیال، زهرا، (۱۳۹۹)، طراحی الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی برای گردشگری پزشکی ایران. رساله دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- داوودی، محمد، (۱۴۰۰)، رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی، مجله انجمن معارف اسلامی ایران، ۲ (۱)، ۱۷۵-۱۵۳.

دهقانی، مرضیه؛ امین خندقی، مقصود؛ جعفری ثانی، حسین؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن، (۱۳۹۸)، واکاوی الگوی مفهومی در حوزه برنامه درسی؛ نقدی بر پژوهش‌های انجام شده با رویکرد طراحی الگو در برنامه درسی مشهد، دانشگاه فردوسی، مبانی تعلیم و تربیت، ۱، ۹۹-۱۲۶.

زیبا کلام مفرد، فاطمه، (۱۳۹۴)، مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام، تفرش: انتشارات دانشگاه تفرش.

سجادی، سید مهدی، (۱۴۰۰)، رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی و ارزشی، مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۳، ۱۴۴-۱۶۵.

شجاعی فرد، محمد، (۱۴۰۱)، بررسی میزان توجه به مولفه‌های تربیت اخلاقی در کتب ادبیات، فارسی دوره متوسطه اول، برنامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی روانشناسی.

صدیق، عیسی، (۱۴۰۰)، سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، تهران، دانشگاه تهران.
عالم گرد خطبه سرا، گلناز، جباری، کامران و محمد یاری قاسم (۱۳۹۹)، تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا و هربارت، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۵ (۳۷)، ۲۸-۳۷.

علی پور مقدم، خدیجه، ملکی، حسن، (۱۴۰۱)، شناسایی و اعتباریابی مبانی و اهداف الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی، راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، ۱۵ (۳)، ۲۸۹-۲۸۰.
ملکی، حسن، (۱۳۹۵)، مقدمات برنامه ریزی درسی، تهران، سمت.

مهرمحمدی، محمود، (۱۳۹۳)، برنامه درسی نظرها، رویکردها و چشم اندازها، تهران، به نشر.
میرزامحمدی، محمدحسن، (۱۴۰۱)، فارابی و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات یسپرون.
نजारزادگان، فتح الله، (۱۴۰۱)، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم، نشر معارف.

Berkowits, M. W. (2022), Integrating structure and content in moral education, paper presented in developmental perspectives and approaches to character education, symposium conducted at meeting of the American educational research association, Chicago.

Bull, N. J. (2020). Moral education. London: Routledge & Kegan Paul.

Caroline, K. (2021). moral Development and student Motivation in Moral Education: A Singapore study. Australian Journal of Education, 56, 34-49.

Catalano, R. F., Berglund, M. L., Ryan, J. A. M., Lonczak, H. S., & Hawkins, J. D. (2021). Positive youth development in the United States: Research findings on evaluations of positive youth development programs. Prevention and Treatment.

curren, D. (2020) *Educating the Virtues: Essay on the philosophical psychology of moral development and education*. London: Routledge.

Kannan, G., Pokharel, S., & Kumar, P.S. (2009). A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider. *Resources, Conservation and Recycling*, 54(1), 28-36.

Lu, J., & Gao, D. (2023). New directions in moral education curriculum in Chinese primary schools. *Journal of Moral Education*, 33, 495-510.

Pamela, G., Kristjánsson, K., Harrison. T. Sanderse. W. Wright. D. (2022). *Teaching Character and Virtue in Schools*. London and New York. Routledge

Sindhu, S. Nehra, V. & Luthra, S. (2016). Identification and analysis of barriers in implementation of solar energy in Indian rural sector using integrated ISM and fuzzy MICMAC approach, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 62(1), 70-88.

Tadic S, Zecevic S, Krstic M. (2014). A novel hybrid MCDM model based on fuzzy DEMATEL, fuzzy ANP and fuzzy VIKOR for logistic concept selection. *Expert systems with applications*. 41(18), 25-42.

Validation of the curriculum model of moral education in the second year of elementary school based on Ibn Sina's opinions and thoughts

Soroor Heydari Aghjivan,^۱ Fereshteh Afkari,^۲ Edris Islami^۳

Abstract

Moral education is vital in the structure of the educational system and upbringing, because morality and moral education are the basis of the foundations of social growth. The aim of the present study is to validate the moral education curriculum model in the second grade of elementary school based on the views and ideas of Ibn Sina. The research was applied in terms of purpose and quantitative in terms of method and survey. The statistical population included curriculum experts active in the field of moral education and the sampling method was purposive, and their number was 25. The research tool was a researcher-made questionnaire and its validity was confirmed by 9 experts in the field of educational sciences. The interpretive structural modeling method was used to validate the moral education curriculum model. According to the findings, the indicator "ownership and mastery of the self" is the basis of the indicators of the moral education curriculum, and the importance of this indicator is greater compared to other indicators. One of the intermediate goals of the child's ideological education is the development of Ibn Sina's ideological views. From this perspective, ownership and mastery of the self is the first method to achieve this goal. According to Ibn Sina, the overall goal of religious education is to develop students' faith and to make them accept Islam as a constructive school and to absorb its teachings as original and exciting ideas.

Keywords: Curriculum, Moral Education, Second Grade, Ibn Sina, ownership and mastery of the self

¹ PhD Student in Educational Sciences, Department of Educational Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Sd.heydari70@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Educational Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Responsible Author). F.afkari@iau-tnb.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Educational Sciences, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran. E.islami@iau-mahabad.ac.ir